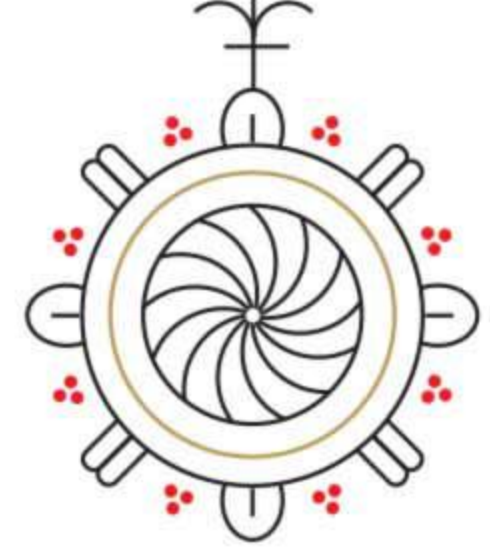




سازمان فراہمی  
دانشگاہی کتب و  
مطبوعات



# مَدِظَلَا

سطر سطر زندگی با آیہ ہا

مسابقہ شماره ۹ / چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳



سطر نهم

## عبادت انحصاری خدا

جزء ۹

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ  
فَلَيْسَتْ جِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

أعراف، آیه ۱۹۴

● انسان نیکوکار خیرخواه نیکاندیش  
عذاب شده، دیده ای؟!



قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ  
 الْغَيْبَ لَأَسْتَكْبَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ  
 وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ  
 وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّهَا حَمَلًا  
 خَفِيًّا قَامَرَتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهُ رَبَّهُمَا لَئِنِ اتَّيْتَنَا صَالِحًا  
 لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٨٩﴾ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ  
 فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩٠﴾ أَيَشْرِكُونَ مَا لَمْ يَخْلُقْ  
 شَيْئًا وَهُمْ يَخْلُقُونَ ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ  
 يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سِوَاءَ عَلَيْكُمْ  
 أَدْعَاؤُهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صِمْتُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنْ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ  
 دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ  
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَلَمْ أَرْجُلُ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آيْدٍ  
 يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ  
 يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ﴿١٩٥﴾



حفظ كليم



قرآنت تحقیق



﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ آن کسانی که غیر از خدا، صدایشان می‌زنید [و از آن‌ها حاجت می‌خواهید و در خانه‌شان ضجه می‌زنید که کارتان را راه بیندازند]. ﴿عِبَادُ امْتَلِكُمْ﴾ قطعاً خودشان مثل شما بنده و نیازمندند. [نه نیاز خودشان و نه نیاز شما را نمی‌توانند پاسخ دهند]. ﴿فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ پس اگر شما [در حاجت خواستن از آن‌ها،] راست‌گو هستید [و گمان می‌کنید آن‌ها می‌توانند کاری برایتان بکنند!] پس آن‌ها را صدا بزنید و نیازتان را به ایشان بگویید و قاعدتاً باید حاجتتان را بدهند! [اما حتماً آن‌ها نمی‌توانند نیازهای شما را برآورده کنند؛ زیرا هیچ‌کسی غیر از خدا برطرف‌کننده نیازهای انسان نیست و همین دلیلی بر خدایی خدا در برابر دیگران است.]



ببینیم

بشنویم

بیاموزیم



ما گدایان خیل سلطانیم شهر بند هوای جانانیم  
 شما هیچ دیده‌اید گدا برابر گدا سر خم کند؟! و یا دست دراز کند؟!  
 هرگز. از این خنک‌تر هم مگر داریم؟! حال در نگاه قرآن کریم، عالم،  
 گداخانه است و همه هرچه باشند و هرکه باشند، سرتاپا فقرند و  
 سراپا نیاز؛ همچنانکه فرمود: **﴿أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ﴾**

بر این اساس هرکس به سراغ هرکس رفت، گویی گدایی سراغ  
 گدایی رفته باشد. خالی اگر رفت، خالی هم برمی‌گردد؛ لذا فرمود:  
**﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾** جز خدا هرچه و هرکه را بخوانید  
**﴿عِبَادَ أَمْوَالِكُمْ﴾** بندگان هستند همچون شما؛ یعنی نادار و  
 نیازمند. شک دارید؟ امتحانش مجانی است! **﴿فَادْعُوهُمْ﴾** آنان را  
 بخوانید **﴿فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾** اگر راست می‌گویید  
 باید شما را اجابت کنند؛ ولی زهی خیال محال.

دست حاجت چو بری پیش خداوندی بر

که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود





اگر قرار شد توحید یک عقیده‌ای باشد که به دنبال خود تعهدی را و مسئولیتی را و تکلیفی را، برای معتقد به این عقیده به ارمغان می‌آورد، پس باید فهمید، و دانست که این تعهد و این تکلیف‌ها چیست بلاخره؟ آیا این تعهد در همین خلاصه می‌شود که ما به زبان یا به دل و به فکر، این عقیده را بپذیریم؟ یعنی خود اعتقاد، یک مسئولیتی است؟ یا حد و قلمروی این مسئولیت از منطقه فکر و دل بیرون‌تر می‌آید؛ اما در اعمال شخصی. مثلاً موحد یک سلسله تکالیفی را به مقتضای توحید بر دوش خود دارد، از جمله اینکه نماز بخواند، از جمله اینکه نام خدا را در آغاز و انجام هر کاری بیاورد، از جمله اینکه فرض کنید گوسفند را، ذبیحه را جز به نام خدا نکشد و از این قبیل، در همین حد خلاصه می‌شود؟ یا نه، تعهدی که توحید به فرد موحد یا به جامعه موحد می‌دهد، از حد فرمان‌های شخصی و تکالیف فردی بالاتر است. تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می‌دهد، شامل مهم‌ترین، کلی‌ترین، بزرگ‌ترین، اولی‌ترین و اساسی‌ترین مسائل یک جامعه است، مثل چه؟ مثل حکومت، مثل اقتصاد، مثل روابط بین‌الملل، مثل روابط افراد با یکدیگر، که این‌ها مهم‌ترین حقوق اساسی‌ست برای اداره و زندگی یک جامعه. ما معتقدیم که تعهد توحید و مسئولیتی که



بارِ دوشِ موحد می‌شود، مسئولیتی است در حد تکالیف اساسی و حقوق اساسی یک جامعه.<sup>۱</sup>

بنا بر اصل توحید، انسان‌ها حق ندارند هیچ‌کس و هیچ چیز جز خدا را عبودیت و اطاعت کنند. این اصل اول از قطعنامه توحیدی.<sup>۲</sup> اطاعت آن قدرتی که از سوی خدا و نماینده خدا نباشد، اطاعت از آن مرکزی که آن مرکز، از مرکز قدرت پروردگار الهام نگرفته باشد، این در حد شرک است یا خود شرک است، برای خاطر اینکه ولو مردمی که این کار را انجام می‌دهند و مبتلای به این درد، به این بلا، به این نابسامانی بزرگ اجتماعی هستند، در کارهای شخصی خودشان آدم‌های مرتب و منظمی باشند، "بَرَّةٌ تَقِيَّةٌ"، با پروا، پرهیزکار، مراقب، اما این بلای بزرگ موجب می‌شود که خدای متعال نظر لطف و رحمت را از این امت برگیرد، آنان را معدَّب، معاقب، مبتلای به نعمت خود قرار دهد، این حدیث است. چرا؟ برای خاطر این است که اطاعت غیرخدا، عبودیت غیرخدا منافی است با آن هدفی که خدا انسان را برای آن هدف آفریده است.<sup>۳</sup>



۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۱۰، ص ۲۷۴.

۲. همان، جلسه ۱۰، ص ۲۷۷.

۳. همان، جلسه ۱۰، ص ۲۷۹.